

Cultural engineering of expectation and emergence from the perspective of Imam Khamenei

Dr. Mahdich Alavifar ¹

Abstract

One of the most important factors in the cultural excellence of humanity is spiritual belief, particularly faith in the unseen, which acts as a spirit breathed into the political and economic systems of societies. Among all religious propositions, belief in the present living Imam plays an unparalleled role in the cultural engineering of communities; this is because, firstly, it is a driving force behind the dynamism and movement of Islamic civilization, and secondly, it leads to the elimination of false propositions from the societal mindset, while promoting the prevalence of correct ideas.

In the cultural engineering of Mahdism, the pathways for the evolution and development of Islamic culture towards belief in the Savior are initially outlined. Subsequently, the shortcomings and deficiencies of the culture of waiting are identified, such as a passive expectation that relies solely on hope for a heavenly miracle without any effort for change, or an expectation that is accompanied by a spirit of despair and hopelessness.

Ultimately, based on the innovative perspective of Imam Khamenei and using an analytical-descriptive method, we seek to answer the question of how, considering the roadmap provided by the verses of the Holy Quran in the cultural engineering of the emergence, general solutions can be found to address the deficiencies of the culture of waiting. The most crucial factor for the waiters is that, in line with the goals of the emergence of Imam al-Mahdi (may Allah hasten his reappearance), they should not neglect powerful and scholarly actions, utilizing the two advantages of Islam—namely, robust logic and social justice—for the emergence of Islam and the supremacy of the Quran, alongside supporting the oppressed of the world and the youth of Hezbollah.

Keywords: Cultural engineering, emergence, waiting, justice, religious governance, the oppressed, Imam Mahdi

1. Assistant professor and member of the faculty of the Department of Islamic Studies, Shahid Bahonar University, Kerman, Iran (mahdeihalavifar@uk.ac.ir)

مهندسی فرهنگی انتظار و ظهور از منظر امام خامنه‌ای*

مهدیه علوی فر^۱

چکیده

یکی از مهم‌ترین عوامل تعالی فرهنگی بشر، باورمندی معنوی، به‌ویژه ایمان به غیب است که همچون روحی در کالبد نظام سیاسی و اقتصادی جوامع دمیده می‌شود. از میان تمامی گزاره‌های دینی، اعتقاد به امام حجت حاضر در مهندسی فرهنگی جوامع نقش بی‌بدیلی دارد؛ چراکه اولاً عامل پویایی و تحرک تمدن اسلامی است و ثانیاً منجر به حذف گزاره‌های غلط از فضای ذهنیت جامعه می‌شود و در مقابل موجب رواج گزاره‌های درست می‌گردد. در مهندسی فرهنگی مهدویت، ابتدا راه‌های صیوروت و تکامل فرهنگ اسلامی به منجی باوری ترسیم می‌شود و در مرحله بعد به شناسایی اشکالات و نواقص فرهنگ انتظار پرداخته می‌شود؛ مانند انتظار منفعلانه‌ای که امید به معجزه‌ای آسمانی را بدون هیچ‌گونه تکاپویی برای تغییر به همراه دارد یا انتظاری که توأم با روحیه یأس و ناامیدی است. در نهایت، براساس نگرش نوآورانه امام خامنه‌ای و با روش تحلیلی - توصیفی، درصدد پاسخ به این سوال هستیم که چگونه می‌توان با توجه به نقشه راه آیات قرآن کریم در مهندسی فرهنگی ظهور، راه‌حلی کلی برای رفع نواقص فرهنگ انتظار یافت؟ مهم‌ترین عامل راهگشای منتظران این است که در جهت و اهداف ظهور حضرت بقیة الله الاعظم علیه السلام از دو امتیاز اسلام، یعنی منطق مستحکم و عدالت اجتماعی، برای ظهور اسلام و حاکمیت قرآن، با یآوری مستضعفان عالم و جوانان حزب‌اللهی، از اقدامات مقتدرانه و عالمانه لحظه‌ای غفلت نکنند.

واژگان کلیدی

مهندسی فرهنگی، ظهور، انتظار، عدالت، حاکمیت دینی، مستضعفین، مهدی موعود علیه السلام.

مقدمه

ولادت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم مقارن با ویرانی کنگره‌های کاخ کسری، خاموشی آتشکده آذرگشسب، خشکی دریاچه ساوه و سرنگونی بت‌های آویزان بر گرد کعبه بود. این نشانه‌ها گره‌گشایی از یک سری رمزها و نمادها دارند و نشان‌دهنده جهت اراده و سنت الهی در پوشاندن خلعت وجود به این موجود عظیم و این شخصیت والا و بی‌نظیر است. معنای این

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۸/۲۶

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۷/۸

۱. استادیار و عضو هیئت علمی گروه معارف دانشگاه شهید باهنر کرمان، ایران (mahdeihalavyfar@uk.ac.ir).

حوادث خبر از این واقعیت مهم می‌دهد، که با این قدوم مبارک، بساط ذلت بشر به وسیله حاکمان مستبد و عبادت غیر خدا برچیده می‌شود. بشریت به وسیله این مولود مبارک، هم از قید حکام جور و هم از قید خرافه‌ها و اعتقادات نادرست ذلت‌آفرین‌رهایی می‌یابد و بدین طریق دین حق بر عالم خیمه خواهد زد:

﴿هو آذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و کفی بالله شهیدا﴾ (فتح: ۲۸).

حرکت پیروزمندانه خاتم الانبیاء به وسیله حضرت مهدی علیه السلام به اوج شکوفایی خود خواهد رسید. همین امتیاز عمیق مکتب شیعه، یعنی باور به امام حی حاضر، سبب پویایی و پایداری حیات شیعه شده است. علامه طباطبایی از پرفسور هانری کربن در این باره نقل می‌فرمود:

در میان تمام ادیان و مذاهب ملل جهان، تنها شیعه است که مکتبی حیات‌بخش و قابل عرضه دارد. آنان معتقدند که رابطه انسان با خدا هرگز قطع نمی‌گردد و همواره انسان کاملی از میان خود انسان‌ها و هم‌نوعان آنان وجود دارد که ولی الله مطلق و واسطه فیض میان خلق و خالق است و این ولی اعظم الهی، انسانی حی و حاضر است (جوادی آملی، ۱۳۸۹ ش: ۱۰۶).

پیامبر برای ظهور حق، دو تکلیف الهی داشتند: تکلیف اول ارائه اصول انقلابی و ایجاد انقلاب بر مبنای آن اصول در جامعه منحرف عربستان بود. وظیفه دوم، ساختن و بنیان‌گذاری جامعه‌ای نو بر مبنای اصول انقلابی بود. بعد از حضرت محمد صلی الله علیه و آله، جانشینان بر حق او، امامان معصوم علیهم السلام مسئولیت، اهداف و راه نبی اکرم را به دورش زیر ادامه می‌دادند:

روش اول: تدوین و تبیین مکتب و تطبیق آن با نیازهای جامعه، که بدین طریق سطح فرهنگ آن دوره را بالا می‌بردند.

روش دوم: زمام جامعه را به دست بگیرند، و در همان خط سیر و مشی که پدیدآورنده انقلاب ترسیم کرده بود، هدایت کنند.

برای ادامه راه حضرت ختمی مرتبت و امامان معصوم، شیعیان این مکتب وظیفه‌ای در قبال پیشوایان دین دارند:

- به مسئولیت، راه، مقصد و جهت حرکت رهبران دینی آشنا شوند.

- با دانستن خط سیر زندگی ایشان، در همان خط، سیر و حرکت کنند (خامنه‌ای، ۱۴۰۰ ش):

(۸۲-۶۶).

معرفت به این تکلیف، دو فایده دارد:

فایده اول: اگر گفتار، کردار و برنامه امامان معصوم برای پیروان ایشان معلوم باشد، پیروان می‌آموزند که چگونه زندگی کنند.

فایده دوم: شناختن روش زندگی رهبران دینی اثر روحی و احساسی دارد. امروز برای دنیا مسلم است، که داشتن پیشینه‌ای افتخارآمیز برای ایجاد روح شخصیت، استقلال و غرور در امتها مؤثر است (خامنه‌ای، ۱۴۰۰ش: ۲۸-۳۱).

شیعیان با داشتن اسوه‌های آسمانی و پیشینه طلایی، با قدرت ادامه راه پیشوایان دینی به سمت آزادی معنوی، اجتماعی، حقیقی و عقلانی حرکت می‌کنند، تا مسیر ظلم، سلطه‌گری و سلطه‌پذیری را به مسیر عدالت و استخلاف رساندن مستضعفان عالم تغییر دهند و در صورت موفقیت، مسیر تاریخ عوض خواهد شد، و زمینه ظهور ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الیه آماده خواهد شد (بیانات رهبری، ۱۳۹۱/۱۰/۱۹).

آری، یکی از مهم‌ترین بخش‌های جهان بینی که در مسیر تاریخ اهمیت دارد، «مسئله نهایت سیر کاروان بشر در این دنیاست. اگر ما جامعه بشری را در طول تاریخ به کاروانی تشبیه کنیم که دارد یک مسیری را می‌رود، این سؤال مطرح است که این کاروان به کجا می‌رود؟ مقصد این کاروان کجا است؟ منتهاالیه این سیر کجا است؟» (بیانات رهبری، ۱۳۹۳/۰۳/۲۱).

این کاروان از پستی و بلندی‌ها و ناهمواری‌ها می‌گذرد، تا به اتوبان برسد. این اتوبان، دوران مهدویت است. در دوران ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه دنیا وارد مرحله‌ای جدید خواهد شد. آغاز زندگی اصلی بشر و حیات مطلوب بشر از آن زمانی است که در این راه صراط مستقیم قرار می‌گیرد، چرا که بشریت به تمامه به مقصد آفرینش می‌رسد و این چنین نیست که یک حرکت دفعی انجام بگیرد و بعد هم تمام شود؛ نه، آن جا یک مسیر تا بی‌نهایت است (بیانات رهبری، ۱۳۹۳/۰۹/۲۱). یعنی کسانی که دوران انتظار مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الیه را سپری نمودند، با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه در انتظار لقاء الله هستند، و اگر ملاقات با خدا به رنگ سرخ شهادت رنگین شده باشد، از زیباترین و بی‌بدیل‌ترین ملاقات‌هاست.

درباره پیشینه این مقاله باید گفت مقاله یا کتابی با عنوان «مهندسی فرهنگی انتظار و ظهور از منظر امام خامنه‌ای» در سامانه ایرانداک یافت نشد.

مهندسی فرهنگی ظهور

فرهنگ در حقیقت شاکله معنوی ملت‌هاست. به تعبیر دیگر، نظام اقتصادی و نظام سیاسی شاکله جسمی یک ملت هستند و روح این مجموعه همان فرهنگ است. شاخصه‌های

هویت معنوی در فرهنگ عبارتند از: عقاید، اخلاق، آداب، رفتارهای اجتماعی و فردی، و خلیقات و خصال ملی. در مورد اعجاز غنای فرهنگی همین بس که اگر ملتی در زمینه شکل سیاسی یا شکل اقتصادی دچار مشکلاتی باشد، با این وجود این ملت می‌تواند بالقوه ملت مقتدری باشد، زیرا موارث فرهنگی برای یک ملت همچون گنجی هستند که حتی در صورت ویرانی و خرابی ظاهری بنای یک جامعه، به برکت این گنج می‌توان آن را بازسازی کرد. یعنی ویرانی و خرابی ظاهری یک ملت، دلیل ویرانی و نابودی حقیقی و نهایی نیست. ویرانی نهایی، ویرانی فرهنگی است (بیانات رهبری، ۱۳۹۰/۰۳/۲۳).

مهندسی فرهنگی عبارت است از ترسیم راه‌های صیوروت و تکامل فرهنگ اسلامی، درک اشکالات و نواقص فرهنگ، تعیین راه‌حل‌های کلی برای رفع این نواقص، زمینه‌سازی و جهت‌دهی به حرکت صحیح و پرشتاب فرهنگی و صیانت و مراقبت صحیح از فرهنگ (بیانات رهبری، ۱۳۸۳/۱۰/۰۸).

از مهم‌ترین دستاوردهای مهندسی فرهنگی، زدودن گزاره‌های غلط از فضای ذهنی جامعه و رواج گزاره‌های درست است (بیانات رهبری، ۱۴۰۱/۰۹/۱۵).

از میان گزاره‌های دینی، ایمان به غیب و ایمان به امام حی حاضر در مهندسی فرهنگی جوامع نقش بی‌بدیلی دارد. چنان‌که در تأویل آیه شریفه «الذین یؤمنون بالغیب»، ابی عبدالله علیه السلام فرمودند:

من آمن بقیام القائم (بحرانی، ۱۴۱۵: ج ۱، ۱۲۴).

در فضیلت مقام ایمان به امام غائب همین بس که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله ایشان را چنین توصیف می‌نمایند:

خوشا به حال صبرپیشگان در زمان غیبت امام زمان علیه السلام، و اقامت‌کنندگان محبت او، ایشان مصداق قول الهی «الذین یؤمنون بالغیب» هستند (بحرانی، ۱۴۱۵: ج ۱، ۱۲۴).

لازم است در مهندسی فرهنگی مهدویت، انتظار و ظهور به نکات ذیل توجه شود:
نقشه راه: نقشه راه صیوروت و تکامل فرهنگ اسلامی به سمت منجی‌باوری و انتظار حقیقی ترسیم شود.

معرفت‌افزایی: در مسیر معرفتی‌افزایی نسبت به امام زمان علیه السلام، توجه به سه مرحله ذیل ضروری است:

- فهم درست معارف؛

- تدبیر، تأمل و عمق بخشیدن به معارف؛

- انتقال درست مفاهیم مهدوی (بیانات رهبری، ۱۳۸۷/۵/۲۷).

شناسایی و دفع اشکالات: اشکالات، نواقص و خرافات فرهنگ انتظار شناسایی و دفع شود.

جهت دهی به حرکت فرهنگی: جهت دهی به حرکت صحیح و پرشتاب فرهنگی به سمت

ظهور و صیانت و مراقبت صحیح از فرهنگ انتظار و زمینه سازی ظهور.

مهندسی فرهنگی دوران انتظار

باور به منجی آخر الزمان، حضرت بقیة الله الاعظم عَلَيْهِ السَّلَام، آن گنج بی بدیلی است که تشیع به واسطه آن توانسته است با وجود پستی و بلندی های تاریخ، هویت و انسجام خود را حفظ کند و روز به روز قوی تر و مقتدرتر ظاهر گردد. چرا که آرمان مهدویت، کلیدی ترین آرمان در راستای تمدن سازی اسلامی است. بدین علت، مکر و نیرنگ استکبار در جهت محو نمودن این عقیده برآمده است.

مقام معظم رهبری می فرماید:

یکی از مسائلی که مزاحم استعمار شد، عقیده به مهدویت بود! بزرگان استعمار و فرماندهان استعماری توصیه می کنند که ما باید کاری کنیم که عقیده به مهدویت، به تدریج از بین مردم زائل شود! آن روز استعمارگران قضاوت شان این بود که تا وقتی عقیده به مهدویت در بین این مردم رائج است، ما نمی توانیم کشورهای شان را درست در اختیار بگیریم (بیانات رهبری، ۱۳۷۶/۱۰/۲۵).

استعمارگران در صورت عدم موفقیت در محو نمودن عقیده مهدویت، درصدد تخدیر این عقیده برمی آیند. تخدیر مهدویت به این نحو است که «... بگویند امام زمان می آید و همه کارها را درست می کند! این، خراب کردن عقیده است. این، تبدیل کردن موتور محرکی به یک چوب لای چرخ است؛ تبدیل کردن یک داروی مقوی به یک داروی مخدر و خواب آور است. امام زمان می آید، انجام می دهد، یعنی چه؟! امروز تکلیف شما چیست؟ شما امروز باید چه کنید؟ شما باید زمینه را آماده کنید تا آن بزرگوار بتواند بیاید و در آن زمینه آماده، اقدام فرماید» (بیانات رهبری، ۱۳۷۶/۱۰/۲۵).

با توجه به دسیسه های استکبار در مورد اعتقاد به حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام، اولین گام در مهندسی فرهنگی انتظار، درک و فهم اشکالات و نواقص فرهنگ انتظار و خلأهای معرفتی آن است و در مرحله بعد، تعیین راه حل های کلی برای رفع این نواقص است.

نقص اول فرهنگ انتظار: ناامیدی

ناامیدی، چون بختکی بر جامعه منتظر سایه افکنده است و ریشه این ناامیدی یا ناشی از پروپاگاندا و تبلیغات سیاسی دشمن است و یا گاهی از مشاهده امواج متراکم ظلمت و ظلم. در حالی که انتظار، یعنی دل سرشار از امید بودن نسبت به پایان راه زندگی بشر. ممکن است کسانی آن دوران را نبینند و نتوانند درک کنند، اما بلاشک آن دوران وجود دارد (بیانات رهبری، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰).

یکی از راهکارهای ریشه کن کردن ناامیدی، نام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریح و یاد این بزرگوار است. چرا که دائماً به ما یادآوری می کند که طلوع خورشید حق و عدل در پایان این شب ظلمانی، قطعی است. زیرا ظهور امام زمان و غلبه حق بر باطل، وعده ای تضمین شده و تخلف ناپذیر از طرف پروردگار است:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَعْدَ اللَّهِ الَّذِي صَمِنَهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَلَمُ الْمَنْصُوبُ وَالْعِلْمُ الْمَنْصُوبُ وَالْعَوْتُ وَالرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ، وَعَدَاً غَيْرَ مَكْذُوبٍ (بیانات رهبری، ۱۳۹۶/۰۲/۲۰).

بدین جهت، معتقدین به ظهور ولی عصر (ارواحنا فداه) هیچ گاه دچار ناامیدی و یأس نمی شوند، چرا که یقین دارند این خورشید طلوع خواهد کرد و این تاریکی ها و سیاهی ها را برطرف خواهد کرد (بیانات رهبری، ۱۳۹۶/۰۲/۲۰).

تمام ادیان آسمانی نگاه بسیار امیدبخشی به آینده بشر دارند، و لکن مکتب تشیع با کلید واژه انتظار، نگاه ویژه و روشنی نسبت به پایان راه کاروان بشری دارد. «حقیقتاً روحیه انتظار و روحیه ارتباط با ولی عصر (ارواحنا فداه) و منتظر ظهور بودن، یکی از بزرگ ترین دریچه های فرج برای جامعه اسلامی است. منتظر فرج هستیم؛ خود این انتظار، فرج است؛ خود این انتظار، دریچه فرج است، امیدبخش است، نیروبخش است؛ از احساس بیهودگی، از احساس ضایع شدن، از نومیدی، و از گیجی نسبت به آینده جلوگیری می کند؛ امید می دهد و خط می دهد» (بیانات رهبری، ۱۳۹۳/۰۳/۲۱).

ایمان به آیه شریفه ﴿إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾ (اعراف: ۱۲۸) بشارت به بندگان الهی می دهد که هیچ وقت ملت ها و امت ها نباید از گشایش مأیوس شوند. زیرا انتظار فرج یک مفهوم بسیار وسیع و گسترده است. فرج، یعنی گشایش. یک انتظار، انتظار فرج نهایی است؛ یعنی نباید خیال کرد که سرنوشت دنیا همین ترکتازی طواغیت عالم و چپاولگری افسارگسیخته ایشان است. بلکه این وضعیت یک وضعیت گذراست و در نهایت، دوران استقرار حکومت عدل متعلق به این عالم و طبیعت است.

مصدق دیگر انتظار فرج این است که هر بن‌بستی قابل گشوده شدن است. یعنی هیچ بن‌بستی در زندگی بشر وجود ندارد که نشود آن را باز کرد. وقتی در نهایت زندگی انسان، در مقابله با این همه حرکت ظالمانه و ستمگرانه، خورشید فرج ظهور خواهد کرد، پس در بن‌بست‌های جاری زندگی هم همین فرج متوقع و مورد انتظار است. این، درس امید به همه انسان‌هاست؛ این نور امید است که جوان‌ها را به انگیزه و حرکت و نشاط وادار می‌کند و از دلمردگی و افسردگی آنها جلوگیری می‌کند و روح پویایی را در جامعه زنده می‌کند. این، نتیجه انتظار فرج است. بنابراین، هم باید منتظر فرج نهایی بود، هم باید منتظر فرج در همه مراحل زندگی فردی و اجتماعی بود (خامنه‌ای، ۱۳۹۰ ش: ۲۵۰؛ بیانات رهبری، ۱۳۸۴/۰۶/۲۹).

دومین نقص فرهنگ انتظار: توهم انتظار

بعضی از منتظران در این توهم به سر می‌برند که زمان ظهور امام زمان علیه السلام، همه امور به دست قاهره ایشان معجزه‌وار اصلاح می‌شود. پس دوران غیبت را با راحت‌طلبی و عافیت سپری می‌کنند. این چنین انتظار تحریف‌شده‌ای چون چوب لای چرخ و یا همچون مواد مخدر است که منجر به تخدیر شدن منتظران می‌شود. در حالی که «انتظار فرج، انتظار دست قاهر قدرتمند الهی ملکوتی است که باید بیاید و با کمک همین انسان‌ها سیطره ظلم را از بین ببرد و حق را غالب کند و عدل را در زندگی مردم حاکم کند و پرچم توحید را بلند کند؛ انسان‌ها را بنده واقعی خدا بکند. انتظار فرج از سنخ حرکت و آمادگی است؛ انتظار سکون، رها کردن و نشستن برای این که کار به خودی خود صورت بگیرد، نیست. انتظار فرج یعنی خود را از همه جهت آماده کنیم برای آن هدفی که امام زمان علیه السلام برای آن قیام خواهد کرد؛ انتظار یعنی برای آن انقلاب بزرگ تاریخی مهیا باشیم» (بیانات رهبری، ۱۳۸۷/۰۵/۲۷).

مردمانی که اهل عبودیت خدا هستند، براساس بشارت الهی یقین دارند که آینده متعلق به حق است:

﴿و لقد كتبنا فی الزبور من بعد الذکر انّ الارض یرثها عبادى الصّالحون انّ فی هذا لبلاغا لقوم عابدين﴾ (انبیاء: ۱۰۵).

لذا براساس این آیه شریفه، خود را آماده، منتظر و مترصد حضرت بقیه الله الاعظم می‌نمایند (طباطبایی، ۱۳۸۸ ش: ج ۱، ۲۲۶). چرا که می‌دانند این حادثه بزرگ واقع خواهد شد و لذا همیشه منتظرند. منتظر حقیقی در دام و تله تسویف گرفتار نمی‌شود و با غفلت شاهد گذر زمان نیست. هیچ وقت با این توهم خود را مشغول نمی‌کند که هنوز فرصت هست.

انتظار، تکلیف بر دوش انسان می‌گذارد. وقتی انسان یقین دارد که در دوران منتظر، جهان پر از عدل، حق، توحید، اخلاص و عبودیت خداست، لذا انتظار راستین ایجاب می‌کند که خود را به شکل، هیئت و خلقی که در دوران مورد انتظار، آن خلق، شکل و هیئت متوقع است، نزدیک کند. معرفت به عدل، توحید و عبودیت و پذیرش آن از ویژه‌ترین تکالیف منتظر مترصد است (بیانات رهبری، ۱۳۹۰/۰۴/۱۸).

ما منتظران در دوران غیبت، در نقشه راه مهندسی فرهنگی ظهور برای رسیدن به کاخ با عظمت تمدن اسلامی در ایام انتظار، چنین خود را مکلف می‌نمائیم که باید در جهت حکومت امام زمان علیه السلام کار و تلاش کنیم و زندگی امروز را در همان جهت بسازیم (بیانات رهبری، ۱۳۶۸/۱۲/۲۲).

جهت حکومت حضرت مهدی علیه السلام همان جهت انبیاء است. از اول تاریخ انبیاء تا حضرت بقیة الله الاعظم، همه یک سلسله مرتبط و متصل به هم هستند. به تعبیر دیگر، روش حضرت مهدی علیه السلام در استمرار جهت حرکت انبیاء به شرح ذیل است:

اقامه عدل: قلع و قمع کردن ریشه‌ها و انحاء ظلم اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، استثمار، اختلاف طبقاتی و تبعیض از لوازم دعوت تمامی انبیاء است.

بالا رفتن سطح اندیشه علمی انسان: محو نمودن جهل، بی‌سوادی و فقر فکری و فرهنگی. رشد علمی تا به آن حد است که زنان و مردان در سطوح مختلف، قدرت فهم دین و استنباط کتاب الهی دارند. و از آثار این رشد علمی برچیده شدن اختلاف رویه در جامعه است.

کشف و استخراج منابع هستی و استعداد های انسانی: همه نیروهای در بطن طبیعت و استعدادهای وجودی انسان کشف و استخراج می‌شود.

محوریت فضیلت و اخلاق: محور دوران امام زمان علیه السلام با محوریت فضیلت و اخلاق است.

نصرت الهی: حکومت مهدوی از طرف خدا با امداد مرعوب ساختن دولت‌های ستمگر نصرت می‌شود. امام باقر علیه السلام در این باره می‌فرمایند:

القائم منصور بالرب مؤید بالنصر (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۲، ۱۹۱).

آبادانی عالم: قدرت حضرت مهدی علیه السلام در جهت آبادانی عالم صرف خواهد شد، نه در جهت سیطره بر منافع انسان‌ها و استضعاف کشاندن انسان‌ها. امام باقر علیه السلام نیز در این باره فرمود:

فَلَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ خَرَابٌ إِلَّا قَدْ عُمِرَ (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۱، ۳۳۱).

نجات از بخل و حرص: دل انسان‌ها از بخل و حرص نجات می‌یابد و در مقابل روحیه مساوات و برابری فراگیر می‌شود. امام محمدباقر علیه السلام در این باره می‌فرماید:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ جَاءَتْ الْمُرَايَلَةُ وَ أَتَى الرَّجُلُ إِلَى كَيْسِ أَخِيهِ فَيَأْخُذُ حَاجَتَهُ فَلَا يَمْنَعُهُ مَفِيدٌ،
 ۱۴۱۳ق: ج ۱، ۲۴).

چیدن بساط بخشش‌های مستکبران: بساط بخشش‌های حکومت‌های مستکبر عالم به دوستان و یاران‌شان برچیده خواهد شد (خامنه‌ای، ۱۳۹۰ش: ۳۳۹-۳۴۲).

صلح و امنیت: صلح و امنیت در سرتاسر عالم خیمه خواهد زد.

با توجه به نقشه فوق، منتظران حقیقی در میدان‌های مجاهدت، امتحانات و در کوره‌های آزمایش وارد می‌شوند تا این‌که جهان به دوران آرمانی مهدی موعود (ارواحنا فداه) روز به روز نزدیک‌تر شود (بیانات رهبری، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰). چنان‌که ابو عبدالله علیه السلام می‌فرماید:

وَاللّٰهُ لَتَمَحْصَنَ، وَاللّٰهُ لَتَغْرِبَنَّ كَمَا يَغْرِبُ الزُّوْانُ (حسینی صدر، ۱۴۲۴ق: ج ۱، ۱۳۷)؛

به خدا سوگند باید خالص شوید، همانند جدا شدن کاه از دانه گندم باید غربال شوید.

سومین نقص فرهنگ انتظار: انتظار بدون عمل

عده‌ای انتظار را در نشستن و اشک ریختن خلاصه می‌کنند. هر چند اعتقاد به حضرت مهدی علیه السلام یک آرمان والاست و در آن هیچ شکی نیست، اما این آرمانی است که باید به دنبال آن عمل بیاید (بیانات رهبری، ۱۳۸۱/۰۷/۳۰).

اهم اعمال در دوران غیبت

تلاش در صلاح خود

تلاش نمودن در صلاح خود، در معرفت و اخلاق و رفتار و کسب صلاحیت‌ها در وجود خود است. زیرا این امر، آینده را نزدیک‌تر خواهد کرد، هم‌چنان‌که شهدا و آن نسلی که برای انقلاب فداکاری کردند، آینده را نزدیک‌تر کردند (بیانات رهبری، ۱۳۷۹/۰۸/۲۲).

فراهم کردن زمینه حاکمیت اسلام

زمینه حاکمیت اسلام و قرآن را برای ظهور مهدی موعود (ارواحنا فداه) فراهم نمودن است. این عبارت از عمل کردن به احکام اسلامی و حاکمیت قرآن و اسلام است. اولین قدم برای حاکمیت اسلام و نزدیک شدن ملت‌های مسلمان به عهد ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف در انقلاب جمهوری اسلامی به رهبری امام خمینی رحمته الله علیه به وسیله ملت ایران برداشته شده است؛ و آن، ایجاد حاکمیت قرآن است (بیانات رهبری، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰).

تغییر مسیر تاریخ

امروز مسیر تاریخ، مسیر ظلم است؛ مسیر سلطه‌گری و سلطه‌پذیری است. یک عده در دنیا سلطه‌گرد و یک عده در دنیا سلطه‌پذیرند. اگر حرف شما ملت ایران پیش رفت، اگر شما توانستید پیروز شوید و به آن نقطه موعود برسید، آن وقت مسیر تاریخ عوض خواهد شد؛ زمینه ظهور ولی‌امر و ولی‌عصر (ارواحنا له الفداء) آماده خواهد شد؛ دنیا وارد یک مرحله جدیدی خواهد شد. این بسته به عزم امروز من و شماست، این بسته به معرفت امروز من و شماست (بیانات رهبری، ۱۳۹۱/۱۰/۱۹).

تحمل حق با قدرت و اقتدار

با قدرت و اقتدار شانه زیر بار تحقق حقیقت الهی بردن و حق را متحمل شدن است. حق تا وقتی از مردم پشتیبانی نداشته باشد، یک واقعیت ذهنی و یک حقیقت معنوی است؛ نمی‌شود توقع داشت در جایی تحقق و استقرار پیدا کند. اما وقتی به دنبال حق، نیروی ایمان و عمل انسان‌ها بسیج شود، حق طبق طبیعت نظام هستی تحقق پیدا می‌کند. در طول تاریخ امت اسلامی، هر زمان نیروی مؤمن انسانی شانه خود را از زیر بار تحمل حق خالی نمود، مسلمانان ضعیف شدند و حق مظلوم و مقهور واقع شد. در نهایت، زندگی امت اسلامی در بسیاری از کشورها به این روز فلاکت‌بار افتاد. ولی ملت ایران قانون الهی را عمل کردند؛ یعنی حق را متحمل شدند تا ستون حق را در زمین حیات و زندگی مردم استقرار ببخشند؛ خدای متعال هم نصرت را برای ایشان ارزانی داشت (بیانات رهبری، ۱۳۸۳/۱۰/۱۹).

داشتن بصیرت نافذ

داشتن بصیرت نافذی که حق را از باطل تمیز می‌دهد. در روایات از این گروه تعبیر به نجباء و قضات در دین می‌شود. از امام سوال کردند: «اینی که در هنگام ظهور ۳۱۳ نفر در اطراف این بزرگوار هستند، این معنایش این است که بقیه مؤمن نیستند؟ فقط ۳۱۳ مؤمن در دنیا آن روز هستند؟» امام می‌فرمایند: «نه، این ۳۱۳ نفر نجباء، قضات، حکام و فقهاء در دین هستند» (طبری صغیر، ۱۴۱۳ق: ج ۱، ۵۶۲).

مقام معظم رهبری در تفسیر شاخصه اهل بصیرت یعنی نجباء چنین می‌نویسند که نجباء یعنی برگزیدگانی که منشاء اثر در امور اجتماعی هستند، گره‌ها را باز می‌کنند، سرنوشت‌ها را تعیین می‌کنند و قاضی بین حق و باطل هستند؛ در حالی که هیچ امری برایشان مشتبه نمی‌شود؛ یعنی وسط کار نمی‌گویند این درست است یا نه؟! این نقش بصیرت نافذ

است (مؤسسه ایمانی و جهادی، ۱۳۹۷ ش: ۸۶-۸۷).

هدف در افعال عمل به تکلیف الهی

هدف در افعال باید رسیدن به نتیجه دلخواه نباشد، بلکه کار را فقط به نیت رضایت الهی انجام دهیم. در خاطرات مقام معظم رهبری است که امام خمینی رحمته الله علیه بارها به ایشان توصیه می‌کردند:

ما کار را برای رسیدن به نتیجه نمی‌کنیم؛ بلکه مأمور به تکلیف هستیم... به این فکر نباشید که پیروز شدید یا نشدید. بلکه به این فکر باشید که خدا از شما راضی باشد. چه پیروز بشوید و چه پیروز نشوید، اگر خدا از شما راضی بود، شما در حقیقت پیروزید (همان: ۱۲۸).

جایگاه مهندسی منتظران در تحقق برنامه الهی بر پرتو افکندن دین اسلام بر کفرو الحاد

در این مرحله از مهندسی فرهنگی ظهور، درصدد تبیین چگونگی جهت‌دهی به حرکت صحیح و پرشتاب فرهنگی به سمت ظهور هستیم. از جمله آیاتی که به آخرین ولی الهی، حضرت مهدی علیه السلام تأویل می‌شود، آیه شریفه زیر است:

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ﴾ (توبه: ۳۳).

ابوبصیر از تفسیر آیه فوق از ابو عبدالله صادق علیه السلام سؤال نمود. ایشان فرمودند:

به خدا سوگند هنوز تأویل آن نازل نشده است. عرض کردم: فدایت شوم، چه وقت تأویل آن نازل می‌شود؟ فرمودند: وقتی که قائم علیه السلام ان شاء الله بیاخیزد. پس چون او خروج کند، هیچ کافر یا مشرکی باقی نماند... (موسوی اصفهانی، ۱۴۰۳ق: ج ۱، ۱۷۴).

وعدۀ الهی است که دین حق را در مقابل کارشکنی‌ها و دشمنی‌ها و حسادت‌ها و کینه‌ورزی‌های دشمنان در طول زمان حفظ خواهد کرد. در حالی که دشمنان می‌خواهند با پُف کردن، نور خدا را خاموش کنند:

﴿يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ﴾ (توبه: ۳۳).

ولکن راه خدا و دین خدا همچون نور است. نور منتسب به الله به قدر بینهایت قوی‌تر از تمام انوار زمینی و آسمانی است. اگر کسی بخواهد نور خورشید را با هوای ضعیفی که از دهان خارج می‌کند خاموش کند، عقلاً بر این تصمیم احمقانه و کودکانه خنده تمسخر می‌زنند؛ چه رسد به کسانی که بخواهند نور الهی را با هوای ضعیف دهان‌شان خاموش کنند. خدا

تلاش‌های نظامی، تبلیغاتی، سیاسی و اقتصادی دشمنان را به همان هوای ضعیف و پفی که از دهان کسی خارج می‌شود تشبیه می‌کند. این کید دشمن چقدر در مقابل اراده ذات مقدس پروردگار ضعیف است (بیانات رهبری، ۱۳۷۶/۰۱/۰۱).

مجمع‌البیان در این باره گفته است:

این تعبیری از تعابیر عجیب است، زیرا با همه کوتاهی‌ها، همه مطلب را رسانده و نقشه‌های دشمنان اسلام را کور و ضعیف معرفی کرده است. چون دهن‌ها تنها حریف خاموش کردن چراغ‌ها و نورهای ضعیفند، نه نورهای بزرگ همچون آفتاب و نورهای بزرگ‌تر از آن (طبرسی، ۱۴۰۸ق: ج ۹، ۴۲۰).

«والله متمّ نوره و لو کره الکافرون» (توبه: ۳۳) یعنی وعده الهی است که هر جا حرکت و تلاش و نهادی مبتنی بر دین خدا پا گیرد، تلاش دشمنان خدا نمی‌تواند آن را از بین ببرد و نابود کند (بیانات رهبری، ۱۳۷۶/۰۱/۰۱).

مراد از «تمامیت کلمه» رسیدن شریعت آسمانی از مراحل نقص و ناتمامی به مرحله کمال است و مصداقش همین دین محمدی است (طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ج ۷، ۴۵۴). زیرا وعده منجز و حتمی الهی به پیغمبر این است که جریان نبوت بر همه جریان‌های فکری و تجربه‌های اجتماعی بشر فائق و غالب می‌شود. البته نه به این معنا که در زمان خود پیغمبر حتماً لازم بود که همه جریان‌های فکری تحت تأثیر نبوت اسلام و رسالت اسلام قرار بگیرند و نه به این معنا که در درازمدت، دین پیغمبر بایستی بر همه ادیان، ملت‌ها و مکتب‌ها غالب و به پیروزی ظاهری فائق آید (خامنه‌ای، ۱۳۵۹ش: ۲۰۳-۲۰۴). بلکه برای ظهور حق یک تعبیر ظریف‌تری است؛ بدین معنا که پیغمبر اسلام با پُر کردن پیمانانه فرهنگ نبوت‌ها و با ارائه دادن همه آنچه در آگاهی و اندیشه الهی برای بشر وجود دارد و با ارائه دادن آخرین حقیقت‌های موجود در فرهنگ نبوت‌ها، بر همه اندیشه‌ها و راه‌هایی که از مغز بشر ممکن بود تراوش کند، فائق آمد و پیروز شد (همان: ۲۰۶).

اراده الهی بر این است که دین خود، دین حق، راه درست و صراط مستقیم الهی را بر همه ادیان بشری و همه آنچه که در دست بشر وجود دارد غلبه دهد؛ یعنی همه فرهنگ‌های بشری، سیستم‌های اقتصادی، روش‌های حکومتی و همه شیوه‌های زندگی غلط، بالأخره محکوم دین خدا خواهند شد.

سؤالی که در این جا مطرح می‌شود این است که دین خدا چگونه بر روی زمین مسلط خواهد شد؟ آیا دین خدا با زور و با قدرت سیاسی و نظامی در سطح عالم گسترش پیدا خواهد

کرد؟ یقیناً نه، زیرا هنری نیست که مردم را با زور بر طبق عقیده و دینی رفتار نمایند. بلکه اسلام دو وسیله دیگر دارد که با کمک این دو وسیله می‌تواند بر همه ادیان عالم پیروز شود؛ همه دل‌ها را جذب کند و همه منطق‌های پوشالی مقابل خود را شکست دهد. آن دو وسیله چیست؟

منطق قوی و استدلال محکم

دین خدا با شمشیر و زور بر دل‌ها مسلط نمی‌شود بلکه دل‌ها از روی فهم، بصیرت، طوع و رغبت، از منافع آن ایمان و عقیده دینی بهره‌مند خواهند شد. چون هر ذهن صحیح، سالم، اهل فهم و استدلالی، در مقابل منطق اسلام تسلیم و خاضع می‌شود. در مورد استدلال‌های اسلامی این تذکر لازم است که استدلال‌ها هم شامل استدلال‌های پیچیده و معضلات فلسفی است و هم استدلالی که برای عامه مردم قابل فهم است (بیانات رهبری، ۱۳۷۶/۰۱/۰۱).

عدالت اجتماعی

خود عدالت در جامعه، عاملی برای جذب دل‌های ملت‌ها در همه جای دنیا به اسلام است. مثلاً چند نفر از نویسندگان و دانشمندان غیرمسلمان به انگیزه عدالت درباره عدالت امیرالمؤمنین علیه السلام کتاب نوشته‌اند. چرا؟ چون انسان‌ها فطرتاً گرایش به عدالت دارند و عدالت نیاز و دغدغه آنها بوده است (بیانات رهبری، ۱۳۹۰/۲/۲۷). آری، «اسلام به ما آموخته است که انسان‌ها با وجود ناهمگونی‌های نژادی و زبانی و فرهنگی، همسانی فطری آنها را به پاکی، عدالت، نیکوکاری، همدردی، همکاری، توحید و معرفت ذات متعالی خداوند رهنمون می‌گردد» (بیانات رهبری، ۱۳۹۱/۰۶/۰۹).

طرح ایده حکومت عدل جهانی مهدوی به عنوان اساسی‌ترین نیاز انسان معاصر می‌تواند پاسخگوی خلأ کنونی انسان معاصر باشد و قرار دادن چنین طرحی در مدار گفتمان جهانی، زمینه‌های فکری ضرورت چنین تبدیلی را در اذهان پدید خواهد آورد و انظار عمومی را از اندیشه‌های متزلزل و نامتوازن به سمت اندیشه عقلانی و فطری و جامع‌نگر سوق خواهد داد (صمدی، ۱۳۸۸ش: ۱۳۵).

اما برای اجرایی کردن عدالت، برخلاف منطق و استدلال، سازوکارهای خاصی لازم است. زیرا همه مسلمانانی که حتی در اقلیت هم باشند، می‌توانند به کسانی که درباره اسلام دچار تردیدند، منطق و استدلال ارائه دهند؛ اما عدالت اجتماعی اسلام فقط هنگامی قابل ارائه و عرضه کردن است که شرایط زیر مهیا باشد:

حکومت اسلامی: یک حکومت اسلامی که با تمام ارکان، قیام به قسط و عدل نماید. **نوسازی و تحوّل معنوی:** برپا نمودن عدالت، بسیار صعب‌الوصول و مشکل است. لذا جامعه باید در جهت نوسازی و تحوّل معنوی و اخلاقی گام بردارد تا بتوان عدالت کامل را در آن اجرا کرد، زیرا عدالت، عدّه‌ای را زخم‌دار و ناراضی می‌کند و کسانی را که درصدد سوءاستفاده از اموال عمومی‌اند، به اعتراض وامی‌دارد. آن کسانی هم که در این مواقع اعتراضی می‌کنند، کسانی نیستند که دست‌شان به جایی نرسد. کسی که امکانات و ثروت دارد، و دشمنان خارجی هم به این‌طور آدم‌ها کمک می‌کنند.

عدم فاصله میان قشر فقیر و غنی: در جامعه، فاصله و شکاف میان دو قشر فقیر و غنی نباید زیاد و دره عمیقی به وجود آید.

عدم اسراف و زیاده‌روی: عدم اسراف و زیاده‌روی در جامعه، زیرا لازمه اشرافی‌گری و تقسیم نابرابر ثروت، مایه تضییع اموال عمومی و نعمت الهی است.

نظام اسلامی و مقابله با متجاوزان: نظام اسلامی، نظام عدالت است. لذا باید کسانی که متجاوز و متعرض به حقوق دیگرانند، توسط قانون و پاسداران قانون جلوی‌شان گرفته شود. این عملکرد منجر به جذب همه ملت‌ها و کشورها و همه انسان‌ها و همه تشنگان عدالت در دنیا به سمت اسلام می‌شود (بیانات رهبری، ۱۳۷۶/۰۱/۰۱).

از منظر مقام معظم رهبری، راهکارهای عملیاتی در جهت ظهور دین اسلام بر تمام مکاتب به شرح زیر ارائه شده است:

نمایان شدن اسلام در عرصه زندگی

راهبرد تحقق وعده پیروزی اسلام بر همه کفر و الحاد، وعده پیروزی ارزش‌های الهی بر همه مادی‌گری‌های کوتاه‌نظرانه، نمایان شدن اسلام در عرصه زندگی است (بیانات رهبری، ۱۳۷۰/۰۷/۲۴). یعنی مسلمانان باید سبک زندگی خود را براساس مبانی و اصول اسلام سازماندهی نمایند. نباید تنها احکام و دستورات اسلامی به صورت واقعیات ذهنی باشند که در جهان خارجی ظهور و بروزی نداشته باشند و حتی بالعکس، زندگی مسلمانان رنگ و بوی کفر داشته باشد؛ که اگر چنین شود، اوضاع مسلمانان روز به روز اسفناک‌تر خواهد شد.

پیکار با باطل

جبهه حق با تمام وجود با باطل پیکار نماید. زیرا در سنت ظهور حق، اراده انسان تعیین‌کننده است. این‌که اسلام انسان‌ها را به مجاهدت دعوت می‌کند: ﴿وَجَاهِدُوا

فی سبیل الله» (توبه: ۲۰) به خاطر این است که مسلمانان سریع‌تر به اهداف الهی دست یابند «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ» (عنکبوت: ۶۹) زیرا قدم برداشتن ملازم با پیش رفتن است. اگر کلمه «لَنَهْدِيَنَّهُمْ» با لام تأکید و نون ثقیله همراه است، بدان جهت است که اهمیت و تحقق عینی مطلب را نشان دهد (مرکز صهبا، ۱۳۹۱ ش: ۱۶۴).

اگر جبهه حق در میدان جهاد دچار سستی و مداهنه با دشمن شوند، سنت الهی استبدال اقوام دیگر محقق می‌شود، زیرا بار خدا بر زمین نمی‌ماند و خدا دست و بازوی ستبر دیگری را مأمور برداشتن این بار و حمل خواهد کرد (همان: ۱۶۵). «من یرتد منکم عن دینه فسوف یأتی الله بقوم یحبهم و یحبونه» (مائده: ۵۴). خدای متعال این مسیر، سرمنزل و سرنوشت را قطعی قرار داده است. آنچه قطعی نیست، عبارت است از زمان و مردمی که سعادت بردن این گوی را از این میدان داشته باشند؛ این بسته به اراده من و شماست. قوم بنی اسرائیل از یاری کردن موسی علیه السلام برای رسیدن به سرزمین موعود و جنگ با دشمنان امتناع ورزیدند و در مقابل انتظار داشتند که موسی علیه السلام با خدایش با دشمنان بجنگد، بی آن که آنان خود هزینه و تلاشی برای رسیدن به اهداف نمایند «قَالُوا يَا مُوسَى إِنَّا لَن نَدْخُلُهَا أَبَدًا مَا دَامُوا فِيهَا فَاذْهَبْ أَنْتَ وَ رَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ» (مائده: ۲۴). نتیجه آن تنبلی، بی مسئولیتی، بهانه جویی، ضعف و رفاه طلبی آن شد که چهل سال به دست خود دچار سرگردانی و بیابان گردی شدند: «اربعین سنه یتیهون فی الارض» (مائده: ۲۶). برای مسلمانان هم، جهت آفرینش، بعثت، فلسفه اعزام رسل و انزال کتب از سوی پروردگار، هم بیان و هم تعیین شده است. حال خود مسلمانان هستند که می‌توانند این راه را طولانی یا کوتاه کنند؛ می‌توانند خود را زودتر یا دیرتر به مقصد برسانند (بیانات رهبری، ۱۳۸۱/۰۳/۰۹).

ایمان به سنت عقب نشینی باطل

همان گونه که پیروزی جبهه حق امری مسلم و از قوانین تکوینی هستی است، عقب نشینی جبهه باطل نیز از قوانین تخلف ناپذیر الهی است. و یکی از اموری که باعث استقامت جبهه حق می‌شود، ایمان به وعده پیروزی حق و امحاء باطل است. مقام معظم رهبری می‌فرماید: «شکی نداریم که پیروزی از آن اسلام است؛ این جبهه کفر با همه وسعت، با همه زرق و برق، با همه توپ و تشری که می‌زنند، بالاخره در مقابل امت اسلامی و جبهه اسلامی مبارز و مجاهد وادار به عقب نشینی خواهند شد. این سنت الهی است و تردیدی در این امر وجود ندارد» (بیانات رهبری، ۱۳۹۵/۰۲/۲۹). «وَلَوْ قَاتَلَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوَلَّوْا الْأَدْبَارَ ثُمَّ لَا يَجِدُونَ وِثْيًا وَلَا

نصیراً (فتح: ۲۲).

اسلام قلع و قمع‌کننده ظلم و استکبار

اسلام بلاشک قلع و قمع‌کننده ظلم و استکبار است؛ اما اسلامی قادر به قلع و قمع ظلم و استکبار و مانع تجاوز و تعدی ایشان می‌شود که دارای نظام و دولت باشد، مجهز به نیروی نظامی، صدای بلند رسانه‌ای، سیاستی همه‌جانبه و اقتصادی کارآمد باشد. خلاصه آن که باید مجهز به تمامی ابزارهای نظام‌سازی و حکومت‌سازی باشد. اگر جریان‌های اسلامی به سمت هدف حکومت پیش نروند، چون منفعل‌اند، هیچ خطری برای استکبار ندارند. بنابراین، اسلام فعال که قادر به مقابله و مقاومت در برابر جبهه کفر است، به سرنوشت قطعی و غیرقابل تغییر ظهور بر کفر دست خواهد یافت.

عدم شکست روحی در برابر دشمن

در مواجهه با دشمن، نباید دچار شکست روحی و ناامیدی شد؛ هر کسی که در درون خود احساس شکست کند، در میدان نیز قطعاً شکست خواهد خورد. اولین شکست هر فرد، احساس شکست در درون خود اوست؛ احساسی از بی‌فایده بودن و تصور اینکه طرف مقابل بسیار قوی‌تر از اوست (بیانات رهبری، ۱۳۹۵/۰۳/۰۶).

مهندسی فرهنگی منتظران برای استخلاف رساندن مستضعفان بر روی زمین

خداوند به مؤمنین وعده حکمرانی بر روی زمین و براندازی رقبای حق داده است، تا جایی که ایده، آئین، فکر و مکتب حق بر جهان خیمه خواهد زد. برخی از افرادی که دچار جمود فکری هستند، می‌گویند این وعده مخصوص زمان ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است. اما آیا می‌توان این آیه را به زمان خاصی محدود کرد؟ آیا قرینه‌ای بر انحصار آیه وجود دارد؟ مگر آیات قرآن همیشگی و جهانی نیستند؟ آیا خداوند این وعده را درباره مؤمنین صدر اسلام محقق نکرد؟ (خامنه‌ای، ۱۳۹۸ ش: ۱۰۲-۱۰۳)

از سنن و قوانین لایتخلف الهی این است که هر زمان و مکانی مؤمنین پایبند به تعهدات ایمانی باشند و ایمان خود را با اعمال صالح مزین کنند؛ خداوند نیز قطعاً به وعده حاکمیت رساندن ایشان عمل خواهد کرد (بیانات رهبری، ۱۳۹۰/۰۵/۲۸).

آغاز و نشانه این وعده تخلف‌ناپذیر در اولین و مهم‌ترین مرحله، پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و بنیان‌گذاری نظام اسلامی بود که ایران را به پایگاه مستحکمی برای اندیشه حاکمیت و تمدن اسلامی تبدیل کرد. تحقق کامل این وعده الهی، یعنی پیروزی حق بر باطل و بازسازی



امت قرآن و تمدن نوین اسلامی، در راه است (بیانات رهبری، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳).
چنان‌که خدای متعال به وعده حاکمیت مؤمنین در دوران امام خمینی رحمته‌الله‌علیه عمل کرده است:

فقط شرطش این است که من و شما که در این راه سربازان پیشرو این حرکت در دوران معاصر بودیم، قدم‌مان را سست نکنیم و حواس‌مان جای دیگر نرود (بیانات رهبری، ۱۳۹۰/۰۳/۱۰).

بدین جهت، مقام معظم رهبری به عنوان ساکناندار حاکمیت، رهنمودهایی برای مراقبت از موهبت حکومت دینی صادر کردند؛ محافظت از حکومت دینی در مقابل حملات چهارگانه دشمن:

(الف) محافظت در مقابل حملات نظامی و جنگ سرد؛

(ب) محافظت در مقابل حمله نرم، مانند تحریم اقتصادی و تبلیغات اغواگر؛

(ج) محافظت از نظام اسلامی در مقابل حملات نفوذی در مراکز تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری، که شامل نفوذ برای تغییر باورهای مردم و تغییر محاسبات در مسئولین است؛

(د) محافظت از مبانی انقلاب در مقابل تهاجم به بنیان‌های حافظ و محافظ و حمله تبلیغاتی به سپاه، شورای نگهبان و نیروهای مؤمن و جوانان مؤمن حزب‌اللهی و روحانیون. در یک کلمه، در این حمله، دشمنان تلاش می‌کنند نظام اسلامی را از عناصری که در درون، مایه اقتدار است، تهی کنند. وقتی اقتدار نباشد، از بین بردن نظام اسلامی و وادار کردن به تبعیت، کار مشکلی برای ابرقدرت‌ها نخواهد بود (بیانات رهبری، ۱۳۹۵/۰۳/۰۶).

در حکومت اسلامی، افراد متخصص باید دائماً در مسائل دین در حال تحول و نوآوری باشند. زیرا اولاً دین قابل اتساع است و ثانیاً برای همه زمان‌ها و شرایط است (بیانات رهبری، ۱۳۹۵/۰۳/۰۶). با ظهور پیامبر خاتم و نقطه اوج نبوت‌ها، بشر می‌تواند براساس قرآن، راه‌های نو را بشناسد و به شناخت‌های جدیدی دست یابد (خامنه‌ای، ۱۳۹۵ ش: ۲۰۷).

التیام بخشی به زخم‌هایی که دشمن به پیکره انقلاب وارد می‌کند، مانند مسائل تفرقه مذهبی شیعه و سنی، اختلافات جناحی و دوقطبی کردن‌های مصنوعی جامعه (بیانات رهبری، ۱۳۹۵/۰۳/۰۶).

اقتدار و پیشرفت در راستای تحقق اهداف انقلاب، راه بقا ایران اسلامی است. اگر کشور قوی باشد، از استکبار هم امتیاز می‌گیرد. اما اگر کشوری ضعیف شود، استکبار و دولت‌های ضعیف و حقیر هم از آن طلبکار می‌شوند. به عنوان مثال، «در قضایای مذاکرات هسته‌ای، دشمنانی که

تا امروز قبول نمی‌کردند ما صنعت هسته‌ای داشته باشیم، حالا پای کاغذ امضاء کرده‌اند که ما می‌توانیم صنعت هسته‌ای داشته باشیم. این چه جوری به دست آمد؟ این بعد از آن به دست آمد که ما اقتدار خود را نشان دادیم. اگر اقتدار بود، انسان می‌تواند حتی از استکبار امتیاز بگیرد. این امتیازی نبود که آمریکایی‌ها به ما دادند، این امتیازی بود که ما با قدرت مان گرفتیم، نه این که کسی به ما امتیاز داد (بیانات رهبری، ۱۳۹۵/۰۳/۰۶).

اقتدار در ابعاد مختلف راهبرد مدیریت در سطح بین‌المللی است. مثلاً اقتدار اقتصادی منجر به لغو تحریم‌ها می‌شود، تا جایی که تحریم‌کنندگان خود به دیورگی و ارتباط اقتصادی می‌آیند. در زمینه سیاست نیز همین‌طور است (بیانات رهبری، ۱۳۹۵/۰۳/۰۶).

دشمن یک جبهه است؛ دشمن یک فرد نیست. جبهه حق باید جبهه دشمن و شیوه‌های دشمنی و اهداف او را شناسایی کند. گاهی دشمن کاری را به قصد یک هدف خبثت‌آمیز شروع می‌کند، اما ما نسبت به اهداف او غافل هستیم. ظاهر کار ممکن است عیب و ایرادی نداشته باشد و حتی به ظاهر خوب باشد؛ در حالی که اگر بصیرت داشته باشیم و اهداف دشمن را بشناسیم، این‌گونه گول نمی‌خوریم (بیانات رهبری، ۱۳۹۵/۰۳/۰۶).

مهندسی فرهنگی منتظران برای رفع استضعاف

در هر عصر و زمانی، قوانین اجتماعی فراغنه مقتضی طبقه‌بندی افراد جامعه است، که پیامد روانی آن ایجاد احساس علو و برتری در طبقه فراغنه، نسبت به سایر طبقات است، و پیامد اجتماعی و جهت کلی این حرکت طواغیت به استضعاف کشاندن ملت‌هاست، بدین نحو که طبقه‌ای از مردم جامعه را به شدت در پنبه ضعف و ناتوانی نگه می‌دارند، تا جایی که از امکانات رشد و ترقی محروم شوند، چنان‌که خداوند می‌فرماید: ﴿إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَ جَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضَعِفُ طَائِفَةٌ مِّنْهُمْ يُذَبِّحُونَ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ﴾ (قصص: ۱۴) ولکن؛ اراده و سنت الهی برخلاف منش طواغیت بر این جهت است که همیشه تاریخ جبهه حق و مستضعفان عالم از استضعاف خارج شوند. خداوند آنها را از دنباله‌روی اجتماع، از تابع بودن، به پیشروی و زمامداری و متبوع بودن می‌رساند (خامنه‌ای، ۱۳۹۸ ش: ۲۹۳) ﴿و تُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾ (قصص: ۵).

اما تحقق مقام رهبری مستضعفین به خاطر نقص وجودی قابل، شروطی لازم دارد، که بی‌تحقق آن شروط ظهور دشوار بلکه غیر ممکن خواهد بود. احتمال دارد که غیبت، خود از

شرایط تدبیری حکیمانه تحقق وعده تخلف ناپذیر استخلاف مستضعفین باشد، زیرا یکی از حکمت‌های نهفته در مسئله غیبت آن است که مؤمن منتظر، وظیفه خویش را بازشناسد و میزان عمل به وظیفه‌اش را ارزیابی نماید (جوادی آملی، ۱۳۸۹ ش: ۱۲۸). چنان‌که منتظران با الهام گرفتن از آیات مربوط به انتظار و ظهور در ترسیم مهندسی فرهنگی می‌دانند، انتظارها کردن و نشستن برای این‌که کار به خودی خود صورت بگیرد، نیست. انتظار از سنخ حرکت و آماده کردن خود در آن جهت و برای آن هدفی است، که امام زمان علیه السلام برای آن هدف قیام خواهد کرد (بیانات رهبری، ۱۳۸۷/۰۵/۲۷).

هدف و جهت حرکت دائمی و کلی ادیان الهی، به سمت رفع استضعاف و محرومیت است. و این شاخصه، اسلام و پرچم دین را، از پرچم فرهنگ‌ها، تمدن‌ها، ایدئولوژی‌ها و مکاتب گوناگون، به کلی متمایز می‌کند، امروز در دنیای سرمایه‌داری جهت حرکت به سمت رشد پولداران و سرمایه‌داران است، ولکن؛ حاکمیت الله مستلزم نفی محرومیت است، تا جایی که همه انسان‌ها به صورت عادلانه از مواهب الهی برخوردار شوند، و در یک محیط مناسب و مساعد، خود را به کمال برسانند. مستکبرین عالم به خاطر این ایدئولوژی اسلام دائماً علیه اسلام و مسلمین، توطئه طراحی می‌کنند. زیرا اسلام در مقابل طمع‌ورزی‌ها و غارتگری‌های استکبار، یک مانع بزرگ به حساب می‌آید.

چنان‌که قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، قدرت‌های قاجار و پهلوی وابسته به آمریکا و غرب حاکم بودند، به واسطه این حاکمان سال‌های متمادی، روس‌ها، انگلیسی‌ها و آمریکایی‌ها مردم ایران را استثمار کردند، عشایر را تار و مار کردند، شهرها را ویران کردند، هر کار توانستند با ثروت‌های طبیعی این ملت در طول سالیان دراز انجام دادند. اما از روزی که اسلام در این مملکت به حکومت رسید، به برکت اسلام، پای دشمنان و استثمارگران از آن قطع شد. برای همین است که با اسلام و با ایمان این ملت و ملت‌های مسلمان دشمنند (بیانات رهبری، ۱۳۷۱/۰۷/۱۵).

روح سخن جمهوری اسلامی، ادامه بعثت پیغمبر است به تعبیر دیگر امروز هم پیغمبر اکرم در حال بعثت است. یعنی هر جا مسلمانی که با تلاوت قرآن درسی می‌گیرد، انگیزه‌ای پیدا می‌کند و یک حرکت را شروع می‌کند، ادامه بعثت پیغمبر است. ظهور حرکت توحیدی در ایران به رهبری امام خمینی رحمته الله علیه علت دشمنی غرب با کشورمان است. تنها عامل رفع دشمنی استکبار به این است که ملت ایران دست از حرکت و صیوروت به سمت الله بردارند، و در مقابل حرکتی ارتجاعی به سمت کفر داشته باشند، یعنی عبودیت طاغوت، پیروی طاغوت و حرکت در جهت

طواغیت «يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ» (نساء: ۷۶) (بیانات رهبری، ۱۳۹۸/۰۱/۱۴).

بدین جهت مهم‌ترین طرح منتظران در زمان غیبت در جهت کمک به مستضعفان، حرکت در جهت مخالف مستکبران عالم است. زیرا از جمله سنت‌های حسنۀ حیات طیبه، اجتماع اسلام است (بیانات رهبری، ۱۳۷۳/۰۴/۲۹). سیاست «نه شرقی و نه غربی» نیز در راستای حمایت از مستضعفان و مظلومان، برای ایجاد مدینۀ فاضله اسلامی، و تکیه بر جانبداری از قشرهای محروم و کوخ‌نشین، است. هدف اصلی از این طرح، زنده کردن دوبارۀ اسلام و بازگشت به ارزش‌های قرآن است (بیانات رهبری، ۱۳۶۸/۰۴/۱۴).

می‌توان این طرح را به وضوح در قیام امام خمینی رحمته الله علیه مشاهده کرد، زیرا دو رکن این قیام الهی، اول اسلام بود. دوم این‌که سربازان این انقلاب و لشکر این انقلاب، مستضعفان و پابرهنگان و قشر جوان بودند (بیانات رهبری، ۱۳۷۷/۰۳/۱۴). بنابراین کسانی که مدعی پایبند بودن به اصول انقلاب اسلامی، بدون مجاهدت در راه نجات مستضعفان و محرومان، سخنی بی‌معنی و ادعایی پوچ دارند (بیانات رهبری، ۱۳۶۹/۰۳/۱۰). آن اسلامی که طبقات مستضعف و محروم به آن امیدوار نشوند، اسلامی که نتواند آرزوهای خفته و فروگشته قشرهای مظلوم را در سطح دنیا - نه فقط در سطح کشور خودمان - زنده و احیا کند، شک کنید در این دین، که اسلام ناب باشد. همچنین آن اسلامی که ابوجهل‌ها از آن نترسیدند و با آن دشمن نبودند، باید در اسلام بودنش شک کنیم (بیانات رهبری، ۱۳۶۸/۱۲/۱۰).

نقشۀ راه انقلاب توسط مقام معظم رهبری چنین ترسیم می‌شود، که در نظام ما، هر حرکت، سیاست، قانون و تلاشی، باید در خدمت مردم مستضعف و محروم باشد. در تنظیم برنامه‌های رونق اقتصادی، تولیدی و سازندگی کشور، اصلی‌ترین مسئله عبارت است از رفع فقر، محرومیت، نجات طبقات مستضعف، محروم و پابرهنگان است (بیانات رهبری، ۱۳۷۱/۳/۷).

شاید این سؤال مطرح شود که چرا رفع فقر، محرومیت‌زدایی و نجات طبقات مستضعف از اولویت‌های امامین انقلاب است؟

می‌توان پاسخ به این سؤال را در صحیفۀ انقلاب امام خمینی رحمته الله علیه پیدا کرد، ایشان می‌فرمودند:

از آن‌جا که محرومیت‌زدایی، عقیده و راه و رسم زندگی ماست، جهان‌خواران در این مورد هم ما را آرام نگذاشته‌اند و برای ناتوان ساختن دولت و دست‌اندرکاران کشور ما حلقه‌های محاصره را تنگ‌تر کرده‌اند و بغض و کینه و ترس و وحشت خود را در این حرکت مردمی و تاریخی تا مرز هزاران توطئه سیاسی - اقتصادی ظاهر ساخته‌اند و

بدون شک جهان خواران به همان میزان که از شهادت طلبی و سایر ارزش‌های ایثارگرانه ملت ما واهمه دارند، از گرایش و روح اقتصاد اسلام به طرف حمایت از پابرهنگان در هراسند و مسلّم هر قدر کشور ما به طرف فقرزدایی و دفاع از محرومان حرکت کند، امید جهان خواران از ما منقطع و گرایش ملت‌های جهان به اسلام زیادت‌تر خواهد شد (موسوی خمینی، ۱۳۷۸ ش: ج ۲۰، ۳۴۱).

البته سیاست تحریم اقتصادی حمله‌ای جدید نیست، بلکه حتی در زمان پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حربه‌ای در دست دشمنان بود تا از طریق گرسنگی‌ها و محرومیت‌ها مستضعفین را از انقلاب پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ناامید نمایند؛ در حالی که مؤمنین با بصیرت می‌دانند که اینها مقدمات ضروری رسیدن به آن قَمّه و قَلّه انقلاب و تمدن عظمای خورشید ولایت است (خامنه‌ای، ۱۴۰۰ ش: ۶۹). ملت ایران نیز در ادامه بعثت حضرت ختمی مرتب با تدبیر و اقتدار از تحریم‌ها پلی برای خودکفایی و صعود به تمدن عظمای خورشید ولایت می‌سازند.

خلاصه آن که هدف استکباران هر زمانی این است که مردمان مستضعف جامعه ضعف امنیت جانی، امنیت حیثیتی، امنیت مالی و امنیت قضایی پیدا کنند. اما؛ جهت حرکت امامان معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَام امنیت بندگان مظلوم خداوند است. امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: «و یأمن المظلومون من عبادک» (فیض کاشانی، بی‌تا: ج ۱۵، ۱۷۹) «مظلومون» مردمانی هستند که دست و پایی ندارند؛ راه به جایی ندارند (بیانات رهبری، ۱۳۷۸/۱/۲۳). اما؛ نجات قشر مظلوم، آن راهی است که امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام پیمود. و مردم ایران در انقلاب اسلامی، آن را از علی عَلَيْهِ السَّلَام درس گرفت (بیانات رهبری، ۱۳۶۹/۱۱/۱۰).

خلاصه آن که طرح و نقشه الهی در ظهور حق بر باطل، براساس دو رکن اساسی است. اول اسلامی که استکبار از آن واهمه دارد و مبتنی بر سیاست نه شرقی و نه غربی است. دوم کادرسازی و سازمان‌دهی تشکیلات مستضعفین و مظلومین عالم با روش رفع فقر، محرومیت، نجات طبقات مستضعف و پابرهنگان.

نتیجه‌گیری

امام خامنه‌ای، سکandar کشتی انتظار، به منتظران حضرت مهدی موعود عَجَلُ اللهُ إِلَيْهِ توصیه می‌نماید که در مهندسی فرهنگی انتظار، باید با ایمانی متعهدانه و مسئولانه از هر گونه دست روی دست گذاشتن و سکون پرهیز نمایند. چرا که وعده حتمی وارث زمین بودن صالحان هم انگیزه و هم جهت می‌دهد.

لذا، انتظار منتظران راستین ایجاب می‌کند که خود را به شکل، هیئت و خلقی که در دوران مورد انتظار متوقع است، نزدیک کنند. معرفت به عدل، توحید و عبودیت و پذیرش آن از ویژه‌ترین تکالیف است. مهندسی فرهنگی ظهور در نقشه راه رسیدن به کاخ با عظمت تمدن اسلامی در این ایام انتظار، ضروری است.

در مهندسی ظهور، منتظران باید زمینه را برای ظهور مهدی موعود (ارواح‌نفاذ) آماده نمایند؛ و آن عبارت است از عمل کردن به احکام اسلامی و حاکمیت قرآن و اسلام. اولین قدم برای حاکمیت اسلام و نزدیک شدن ملت‌های مسلمان به عهد ظهور مهدی موعود (ارواح‌نفاذ و عجل‌الله فرجه) به وسیله ملت ایران برداشته شده است و آن، ایجاد حاکمیت قرآن است.

سنت الهی بر ظهور دین اسلام بر تمام رقبا و مکاتب در زمان حضرت بقیة الله الاعظم است. اما برای تحقق این قانون، سنت دیگر الهی این است که مسلمانان در مهندسی تحقق برنامه الهی، بر پرتو افکندن دین اسلام بر همه کفر و الحاد، دو تکلیف الهی را متحمل شوند:

- با استدلال، حقایق اسلام را برای جهانیان تبیین کنند؛

- از طریق احیای عدالت در اجتماعات، جهانیان را جذب دین حق نمایند.

هر زمان و مکانی که مؤمنین پایبند به این تعهدات ایمانی باشند و ایمان را مزین به اعمال صالح نمایند، خدا نیز قطعاً به وعده حاکمیت رساندن ایشان عمل خواهد کرد. به شرط آن که منتظران در مهندسی ظهور در جهت اهداف حکومت حضرت بقیة الله الاعظم حرکت کنند؛ یعنی به سمت رفع استضعاف و محرومیت، آبادانی، برابری و مساوات، پیشرفت، امنیت و منکوب و مخدول نمودن دشمنان حرکت کنند.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۵ق)، *کمال الدین و تمام النعمة*، تهران: اسلامیه.
۲. بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۴۱۵ق)، *البرهان فی تفسیر القرآن*، قم: مؤسسه البعثه.
۳. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹ش)، *امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف موجود موعود*، تحقیق: سید محمدحسن مخبر، قم: اسراء.
۴. حسینی خامنه‌ای، سید علی (۱۳۵۹ش)، *شرح نهج البلاغه*، تهران: فقه روز.
۵. حسینی خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۰ش)، *انسان ۲۵۰ ساله*، تهران: صهبا.

۶. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۸ش)، *طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن کریم*، تهران: مؤسسه ایمانی و جهادی.
۷. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۴۰۰ش)، *همرزمان حسین «ده گفتار از حضرت آیت الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای در تحلیل مبارزات سیاسی امامان معصوم علیهم السلام»*، تهران: انقلاب اسلامی.
۸. حسینی صدر، سیدعلی (۱۴۲۴ق)، *الامام المنتظر علیهم السلام من ولادته الی دولته*، تهران: دلیل ما.
۹. حیدری، کمال (۱۴۲۷ق)، *أصول التفسیر والتأویل*، قم: دار فراق.
۱۰. صمدی، قنبرعلی (۱۳۸۸ش)، «آموزه انتظار و زمینه سازی ظهور»، *مشرق موعود*، شماره ۱۱.
۱۱. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴ش)، *ترجمه تفسیر المیزان*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۲. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۸۸ش)، *بررسی های اسلامی*، قم: بوستان کتاب.
۱۳. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۰۸ق)، *مجمع البیان*، بیروت: دارالمعرفه.
۱۴. طبری صغیر، محمدبن جریر (۱۴۱۳ق)، *دلایل الإمامة*، محقق و مصحح: قسم الدراسات الإسلامية مؤسسة البعثة، قم: بعثت.
۱۵. فیض کاشانی، محمدبن شاه مرتضی (بی تا)، *السوفی*، اصفهان: مکتبه الامام الامیرالمؤمنین علیهم السلام.
۱۶. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، *بحارالانوار*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۷. مرکز صهبا (۱۳۹۱ش)، *دغدغه های فرهنگی (شرح مزجی یکی از بیانات محوری مقام معظم رهبری)*، تهران: مؤسسه ایمان جهادی.
۱۸. مطهری، مهدی (۱۳۹۸ش)، *هندسه انقلاب (برگرفته از بیانات رهبر کبیر انقلاب حضرت امام خمینی)*، تهران: انقلاب اسلامی.
۱۹. مفید، محمدبن محمد نعمان (۱۴۱۳ق)، *الإختصاص*، قم: المؤتمر العالمی الشیخ المفید.
۲۰. مؤسسه ایمانی و جهادی؛ اسناد انقلاب اسلامی (۱۳۹۷ش)، *عبد صالح خدا (برش هایی از زندگی و سیره مبارزاتی امام خمینی در بیانات آیت الله خامنه‌ای)*، قم: مؤسسه ایمانی و جهادی.
۲۱. موسوی اصفهانی، سید محمدتقی (۱۴۰۳ق)، *مکیال المکارم فی فوائد الدعاء القائم*، ترجمه: سیدمهدی حائری قزوینی، تهران: دفتر نشر کوکب.
۲۲. موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۷۸ش)، *صحیفه*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیهم السلام.